

بایانده ایران

ای آفریدگار پاک تو را پرستش می کنم و از تو پاری می جویم

فرزندان عزیز وطن
با چشمان باز و بیدار مراقب سرنوشت خانه کهن سال خود باشید
تا مبادا تاریخ فردا از نسل امروز به زشتی یاد کند.
دکتر محمد مصدق

داد خواهیم این بیدادهای پیاپی را

هم میهنان آزاده!

نزدیک به یک صد سال پیش ملت ایران برای دادخواهی و داشتن عدالتخانه به پا خاستند و انقلاب کردند تا شاید مرجعی برای داد خواهی از بیدادگران ستمگر داشته باشند که آن تلاشها به براهه رفت و نزدیک به ربع قرن قبل باز برای عدالت و عدالت خوئی و عدالت اجتماعی به انقلاب روی آوردند. ای دریغ هم چنان در جستجوی دادخواهی به سراب رسیده است.

نگاهی به رخدادهای چند ساله اخیر نشان می دهد که چگونه از داد به بیداد رسیده ایم. در یکم آذر ماه ۱۳۷۷ دو آزاده مبارز، رهبران حزب ملت ایران، داریوش و پروانه فروهر را ددمنشانه با کارد و خنجر قصابی کردند و نویسندگان فرهیخته، مختاری و پوینده را با طاباب به شهادت رساندند و هنوز از داد و داد خواهی خبری نیست و وکیلان این پرونده را با اتهامهای ساختگی، به زندان بردند. ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ که دانشجویان برای آزادی اندیشه به پا خاستند، بر آنها شبانه یورش بردند، چنان کردند که داغ آن هنوز بر دل دانشگاه و دانشگاهیان باقی است و دانشجویان بسیاری در زندانها هستند و بسیاری دانشجویانی که سردر لاک سکوت فرو برده و سعی دارند هر چه زودتر راهی بجویند که ترک میهن کنند. با نگاهی به وضعیت کنونی جهان و در شرایطی که این خاک اهورایی در آن قرار گرفته است و از هر سو مرز و بومش در معرض خطر است چگونه است که هر روز بحرانی تدارک دیده می شود؟ هنوز برای خیل روز افزون بیکاران که بسیاری از آنها تحصیل کرده نیز هستند راه چاره ای نیافته اند، هنوز رانت خواران از این سو و آن سو در هاله ای از تقدس به سر می برند و عدالت خانه ای که داد از این بیدادگران پستاند نیست.

هنوز دزخیمانی که جنایات بسیار و بیدادگری فراوان بر آزادگان و فرهیختگان کردند در محفل خودسر خود راه خویش می روند و سرافراز در جامعه ظاهر می شوند و هیچ دادی بر این بیدادها نیست. هنوز نویسندگان و روزنامه نگاران شجاع و آزاده در زندانهای این جا و آنجا در بند هستند. در این زمان عافیت سوز است که باز اندیشه و اندیشیدن را با مرگ پاسخ میدهند و هنوز افراد را به جرم اندیشیدن و بیان اندیشه خویش با تفتیش عقاید به اعدام محکوم می نمایند.

ایا این گونه احکام که ملک و ملت را به باد میدهد ، در راستای منافع و مصلحت ملی است یا در راستای مصالح از ما بهتران؟
 چرا باید حکمی این چنین داده برای رفع و رجوع آن همگان را به صبر و بیانات دعوت کرد و مملکت را به آشوب کشاند؟
 حزب ملت ایران به شدت گتیدن افراد را به خاطر بیان اندیشه و آرا ، محکوم کرده ، خواستار آزادی بدون قيد و شرط کتبه زندانیان سیاسی است.

بوقرار باد همبستگی دانشجویان سراسر کشور

دروود بر زندانیان سیاسی به ویژه دانشجویان

یکم آذر ، چهارمین سالگرد شهادت داریوش و پروانه فروهر را گرامی می داریم

دبیرخانه حزب ملت ایران

تهران ۲۶ آبان ۱۳۸۱ خورشیدی